



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم واقف می تواند ناظر یا متولی برای چیزی که وقف می کند قرار بدهد تا بعد از خودش آن را مدیریت کند زیرا اگر اینطور نکند ممکن است غاصبی آن را غصب کند، ناظر کسی است که در انجام کارهایی که مربوط به وقف است با او مشورت می کنند و از او مصلحت خواهی می کنند.

امام رضوان الله علیه در این رابطه (ناظر و متولی) ۱۳ مسئله از مسئله ۷۸ به بعد در تحریر الوسيلة ذکر کرده که ما اول مسائل را یک به یک می خوانیم و بعد دلائل آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

مسألة ۷۸: «يجوز للواقف أن يجعل تولية الوقف ونظارته لنفسه دائما أو إلى مدة مستقلا ومشاركة مع غيره (زیرا اختیار مال با صاحبش است، الناس مسلطون على اموالهم)، وكذا يجوز جعلها للغير كذلك (مثلا برای زید به تنهایی یا برای زید و عمرو باهم و در اینصورت نیز هرکدام مستقل و یا مشترک باهم و همچنین دائمی و یا إلى مدة، زیرا شارع مقدس فرموده الوقف على ما يوقفها أهلها)، بل يجوز أن يجعل أمر جعل التولية بيد شخص (مثلا بگوید بعد از من زید اختیار دارد که برای وقف متولی تعیین کند)، فيكون المتولي من يعينه ذلك الشخص، بل يجوز جعل التولية لشخص ويجعل أمر تعيين المتولي بعده بیده، وهكذا يقرر أن كل متول يعين المتولي بعده»<sup>۱</sup>.

مسألة ۷۹: «إنما يكون للواقف جعل التولية لنفسه أو لغيره حين إيقاع الوقف وفي ضمن عقده، وأما بعد تماميته فهو أجنبي عن الوقف، فليس له جعل التولية ولا عزل من جعله متوليا إلا إذا اشترط في ضمن عقد لنفسه ذلك (عزل المتولي)، بأن جعل التولية لشخص وشرط أنه متى أراد أن يعزله عزله»<sup>۲</sup>.

مسألة ۸۰: «لا إشكال في عدم اعتبار العدالة فيما إذا جعل التولية والنظر لنفسه، والأقوى عدم اعتبارها لو جعلها لغيره أيضا، نعم يعتبر فيه الأمانة (أمين باشد) والكفاية (با کفایت باشد)، فلا يجوز جعلها خصوصا في الجهات والمصالح العامة لمن كان خائنا غير موثوق به (زیرا اگر اینطور نباشد یک کار سفهی می شود و از طرفی ادله ی داله ی بر مشروعیت وقف انصراف دارند از جایی که متولی سفیه و خائن باشد)، وكذا من ليس له الكفاية في تولية أمور الوقف، ولا يجوز جعل التولية للمجنون ولا الطفل حتى المميز إن أريد عمل التولية من إجارة الوقف وأمثالها مباشرة، وأما إذا جعل التولية له حتى يقوم القيم بأمرها ما دام قاصرا فالظاهر جوازه ولو كان غير مميز، بل لا يبعد الجواز في جعلها لمجنون متوقع برؤه ويقوم الولي مقامه إلى أن يفيق».

در اسلام عدالت یک مسئله بسیار مهمی می باشد و اسلام عنایت زیادی به آن دارد لذا ما باید بینیم معنای دقیق عدالت چیست؟ آیا عدالت ملکه است یعنی انسان در نتیجه ممارست می تواند آن را کسب کند یا اینکه عدالت این است که انسان گناه نکرده باشد؟ فرق این دو این است که اگر بگوئیم عدالت یعنی ترک معصیت کسی که بالغ شد در همان لحظه اول چون

<sup>۱</sup> تحریر الوسيلة، الامام الخميني، ج ۲، ص ۸۲.

<sup>۲</sup> تحریر الوسيلة، الامام الخميني، ج ۲، ص ۸۲.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

گناهی نکرده باید بگوئیم عادل است اما اگر بگوئیم عدالت ملکه است باید مدتی ممارست کند تا ملکه عدالت در وجودش و در روحش بوجود بیاید یا مثلاً اگر فرضاً خداوند متعال کسی را خلق الساعة شخصی را بالغ آفرید در این صورت اگر بگوئیم عدالت ملکه است باید مدتی را مداومت بر ترک معصیت و انجام وظیفه کند تا عادل بشود اما اگر بگوئیم عدالت ترک معصیت است چون این شخص همین الان آفریده شده و گناهی نکرده پس عادل می باشد.

فقهائ ما نوعاً می فرمایند عدالت ملکه می باشد یعنی هر شخصی باید ممارست بر ترک گناه و انجام فرائض داشته باشد تا اینکه یک حالتی در روحش بوجود بیاید که گناه نکند اما صاحب جواهر می فرماید عدالت ملکه نیست و اگر ملکه باشد من فقط دو نفر را در بین علماء سراغ دارم که این ملکه را دارند یکی سید ماجد بحرانی صاحب تفسیر برهان و دیگری مقدس اردبیلی رضوان الله علیهما از این جهت عدالت ترک معصیت می باشد.

مسألة ۸۱: «لو جعل التولية لشخص لم يجب عليه القبول (زیرا طرفینی است)، سواء كان حاضراً في مجلس العقد أو غائباً بلغ إليه الخیر ولو بعد وفاة الواقف.

ولو جعل التولية لأشخاص على الترتیب وقَبِل بعضهم لم يجب القبول على مَنْ بعده، ومع عدم القبول كان الوقف بلا متول منصوب (که در اینصورت حاکم شرع مشخص می کند).

ولو قبل التولية فهل يجوز له عزل نفسه كالوكيل أم لا؟ قولان لا يترك الاحتياط بعدم العزل، ومعه يقوم بوظائفه مع المراجعة إلى الحاكم ونصبه»<sup>۳</sup>.

<sup>۳</sup> تحریر الوسيلة، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۸۳.